

قطعه‌نامه تقسیم فلسطین مبنای «راه‌حل دو دولت» و ملاکی برای «راه‌حل همه‌پرسی»

حمیدرضا دهقانی^۱

چکیده: فلسطین بخشی از سرزمین‌های جدا شده از عثمانی پس از جنگ جهانی اول است. ولی خود نیز از همان ابتدا همواره هدف تقسیم بوده است. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ کمیته ویژه‌ای را برای حل مشکل فلسطین انتخاب کرد؛ پس از بحث و گفتگو سرانجام اکثریت اعضا طرحی ارائه کردند که به موجب آن در سرزمین فلسطین دو کشور یهودی و عربی با وحدت اقتصادی تشکیل و شهر بیت‌المقدس با رژیم بین‌المللی اداره شود. به موجب طرح اقلیت اعضای کمیسیون فوق، در سرزمین فلسطین یک دولت فدرال به پایتختی شهر بیت‌المقدس تشکیل شود و ایالت‌های یهودی و عرب در چارچوب این حکومت فدرال بر بخش‌های یهودی و عربی حاکمیت خواهند داشت. ایران به‌عنوان یکی از اعضای کمیته ویژه، با تقسیم فلسطین مخالفت کرد. روند مخالفت علی‌رغم فراز و فرود آن سرانجام به مخالفت با طرح دو دولت - دو ملت و ارائه طرح همه‌پرسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ختم شد. در مقاله حاضر تلاش شده است ابتدا قطعه‌نامه تقسیم به عنوان مبنای «راه‌حل دو دولت - دو ملت» بررسی شود و سپس با توجه به بند مربوط به وضعیت بیت‌المقدس در قطعه‌نامه فوق، با استفاده از وحدت ملاک به امکان بهره‌گیری از این ملاک در طرح همه‌پرسی پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: قطعه‌نامه ۱۸۱ تقسیم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، فلسطین، راه‌حل دو دولت، راه‌حل همه‌پرسی، انگلستان، ایران.

به دنبال درگیری‌هایی که بین گروه‌های صهیونیستی و فلسطینی‌ها پدید آمد، انگلستان در دوم آوریل ۱۹۴۷ طی نامه‌ای از دبیرکل سازمان ملل متحد خواستار

۱. آقای حمیدرضا دهقانی، رئیس مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
hamidehaghani@gmail.com

رسیدگی به این موضوع شد. دولت انگلیس با ارائه گزارشی از وضعیت فلسطین از دبیرکل درخواست نمود رسیدگی به موضوع فلسطین را در دستور کار مجمع عمومی قرار دهد. همچنین از دبیرکل خواسته بود، کمیته ویژه‌ای برای بررسی وضعیت فوق انتخاب شود و در جلسه عادی سالیانه این گزارش مورد بررسی قرار گیرد. سرانجام این جلسه در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۴۷ تشکیل شد و تا ۱۵ مه ۱۹۴۷ ادامه یافت. هدف از برپایی جلسه رسیدگی به پیشنهاد انگلستان مبنی بر تشکیل کمیته رسیدگی به موضوع فلسطین بود ولی دولت‌های عربی همچون سوریه، لبنان، عربستان سعودی، عراق و مصر خواستار اضافه شدن طرح پایان قیمومت انگلستان بر فلسطین و اعلام استقلال این کشور شدند که با مخالفت مجمع عمومی مواجه شد. مجمع عمومی در مورخ ۱۵ مه ۱۹۴۷، یازده کشور را به عضویت در کمیته فوق انتخاب کرد.

قطعه‌نامه تقسیم: سنگ بنای «راه حل دو دولت»^۱

ارجاع اختلاف به سازمان ملل و عقب نشینی از این کشور از جمله مواردی است که در اشغال فلسطین تعیین کننده بوده‌اند.^(۱) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نشست مخصوص خود در ۲۸ آوریل ۱۹۴۷ کمیته ویژه‌ای^۲ تشکیل داد.^(۲) کمیته فوق در ۳۱ آگوست ۱۹۴۷ در مورد پایان قیمومیت، استقلال فلسطین و نقش سازمان ملل به توافق رسید و در ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۷ دو طرح به مجمع عمومی ارائه نمود. یکی طرح اکثریت که دو دولت یهودی و عربی در فلسطین و اداره بین‌المللی شهر قدس را به دنبال داشت و دیگری طرح اقلیت که خواهان ایجاد یک دولت فدراتیو متشکل از دو ایالت عربی و یهودی به پایتختی بیت‌المقدس بود. مجمع عمومی طرح اقلیت که مورد تأیید دولت‌های عربی و اسلامی بود را رد کرد و مذاکرات را براساس طرح دوم قرار داد. در این کمیسیون نمایندگان یازده کشور استرالیا، کانادا، گواتمالا، هندوستان، ایران، هلند، پرو، سوئد، چکسلواکی، اوروگوئه و یوگسلاوی انتخاب شدند تا پس از بررسی‌های لازم، پیشنهادات خود را به منظور حل مسئله فلسطین ارائه دهند. شاخه اکثریت اعضای کمیته ویژه فلسطین (کانادا، چکسلواکی، گواتمالا، هلند، پرو، سوئد و اوروگوئه) طرح تقسیم فلسطین به دو کشور مستقل عرب و یهود را همراه

1. Two-State Solution

2. United Nation Special Committee on Palestine (UNSCOP)

با یک منطقه بین‌المللی در بیت‌المقدس ارائه داد. اما گروه اقلیت کمیته ویژه (ایران، هند و یوگسلاوی) تقسیم فلسطین را غیرعملی و غیرمؤثر و برخلاف منافع اعراب دانست. آن‌ها معتقد بودند که رفاه کلی کشور و تمامی مردم آن بر آمال یهودیان برای تأسیس کشور یهودی برتری دارد. بنابراین، پیشنهاد یک کشور مستقل فدرال را در فلسطین ارائه دادند.^(۳)

پیشنهاد اکثریت که مورد پشتیبانی اروگوئه، پرو، چکسلواکی، سوئد، کانادا، گواتمالا و هلند قرار گرفته بود خواهان تقسیم فلسطین به دو کشور مستقل یهود و عرب بود. به موجب این پیشنهاد شهر بیت‌المقدس می‌بایستی تحت نظارت بین‌المللی قرار گیرد و اداره امور آن به عهده سازمان ملل متحد گذاشته شود و این سه بخش از لحاظ اقتصادی متحد باشند. به عبارت دیگر در این طرح پیشنهاد شده بود که به قیومیت انگلستان پایان داده شود و دو دولت عربی و یهودی با وحدت اقتصادی و یک منطقه حائل بین‌المللی^۱ برای شهر بیت‌المقدس در نظر گرفته شود که این منطقه بین‌المللی به مدت ده سال از طرف سازمان ملل متحد اداره شود.

طرح اقلیت که توسط ایران، هندوستان و یوگسلاوی پیشنهاد شده بود شامل تشکیل یک دولت فدرال از دو سرزمین عرب و یهود و تعیین بیت‌المقدس به عنوان پایتخت این فدراسیون بود. همچنین در این طرح پیش‌بینی شده بود که به قیومیت دولت انگلستان خاتمه داده شود. استرالیا از دادن رأی به هر دوی این طرح‌ها امتناع ورزید و آن‌ها را از حدود وظایف و اختیارات کمیته ویژه خارج دانست.

سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ طی قطعهنامه شماره ۱۸۱ با ۳۳ رأی موافق،^(۴) ۱۳ رأی مخالف^(۵) و ۱۰ رأی ممتنع^(۶) پیشنهاد تقسیم فلسطین به دو کشور عرب و یهود را به تصویب رساند. بر طبق این تقسیم، کشور یهودی ۵۶/۴۷٪ از خاک فلسطین با ۴۹۸ هزار نفر یهودی و ۴۹۷ هزار نفر عرب و کشور عربی با ۴۲/۸۸٪ از خاک فلسطین و با جمعیتی برابر ۷۲۰ هزار نفر که شامل ده هزار نفر یهودی می‌شد تشکیل شد.^(۷) تمامی اعضای دائم شورای امنیت به جز انگلستان به قطعهنامه فوق رأی مثبت دادند.^(۸) طبق طرح تقسیم^۲ ۵۶/۴ درصد سرزمین به یهودی‌ها

1. Corpuseparatam

2. The Partition Plan or the Partition Resolution.

که حدود ۳۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند و در ۵/۶۷ درصد سرزمین فلسطین ساکن بودند، اعطا شد.^(۹)

موضع کشور های عربی

فلسطینی‌ها و کشورهای عربی قطعنامه را ناقض موازین مندرج در منشور سازمان ملل، ناظر بر اعطای حق تصمیم‌گیری مردم درباره سرنوشت خود دانستند و با آن مخالفت کردند. آن‌ها اعلام کردند که مجمع عمومی این طرح را در شرایط نامناسبی تصویب کرده و اعراب فلسطینی با هر طرحی که متضمن تجزیه، جدایی یا تقسیم کشورشان باشد و یا این‌که حقوق و منزلت خاص و تبعیض‌آمیزی به یک اقلیت اعطا نماید، مخالفت خواهند ورزید. آن‌ها این قطعنامه را بی‌اعتبار معرفی کردند. مردم عرب با تظاهرات و حضور در خیابان‌های شهرهای مختلف مخالفت خود را با قطعنامه تقسیم اعلام کردند و خواستار کمک به فلسطینی‌ها و ارسال سلاح و مبارزه با صهیونیست‌ها و قطع روابط دیپلماتیک با کشورهایی که به قطعنامه رأی مثبت دادند و خروج کشورهای عربی از سازمان ملل متحد شدند. دفتر اتحادیه عرب در نیویورک کمیته ویژه فلسطین را به طرفداری از صهیونیست‌ها متهم کرد و هشدار داد که پذیرش هر یک از دو طرح، جنگ در خاورمیانه را در پی خواهد داشت و این جنگ ممکن است به جنگ جهانی تبدیل شود. شورای عالی عرب نیز دو طرح کمیته ویژه را بی‌ارزش دانست و اعلام کرد که حتی یک مهاجر نیز نمی‌تواند به فلسطین وارد شود. در مقابل، صهیونیست‌ها به طرفداری از طرح اکثریت پرداختند. شورای عمومی داخلی آژانس یهود نیز طرح فدرال را کلا رد کرد و آن را غیرقابل پذیرش خواند، اما خشنودی خود را از طرح تقسیم اکثریت ابراز داشت.^(۱۰)

فضل‌الله نورالدین کیا^(۱۱) درباره سیاست اعراب در قضیه فلسطین می‌نویسد: «رویه سخت دول عرب و این‌که نخواستند به نصایح هیچکس گوش دهند و به حقیقت پی برند، در پیشرفت منظور یهود مؤثر واقع شد... چون در دعوی فرانسه راجع به پس‌بردن قوا از سوریه و لبنان، کمک آمریکا را دیدند، غره شدند و تصور کردند آن دول در قضیه فلسطین هم از آنان پشتیبانی خواهند نمود. هر چه بنده به (گوش) آن‌ها خواندم که از اشتباه بیرونشان بیاورم و بفهمانم که اگر روی مساعد نشان ندهید و رویه

افراطی را ترک نکنید، کسی طرف شما را نخواهد گرفت، گوش نداده، بلکه از این نصایح رنجیده، می‌گفتند تذکراتم از عالم دوستی و همکیشی که با ایران داریم، دور است... حتی روزنامه‌های عراق از این که دو نماینده مسلمان که ایران و هند باشند، حاضر به قبول چنین راه‌حلی شده‌اند، گله کرده و ما را مرتد خواندند و حال این که خوب می‌دانستند که مساعدت بیش از این مقدور نبوده است... (به هر حال) اعراب در قضیه فلسطین به قدری سوء سیاست به خرج دادند که دو دولتی مثل آمریکا و شوروی را که در همه مسائل با هم در جنگ و ستیزند سر تقسیم فلسطین متحد ساختند...»^(۱۲)

در سطح رسمی اختلاف نظر بین مسئولان عربی بروز کرد. ملک عبدالله پادشاه اردن بدنبال تسلط بر غرب اردن بود و لذا از کشورهای عربی درخواست کرد، تسلط ارتش اردن بر فلسطین را مورد حمایت مالی و سیاسی قرار دهند و این امر باتوجه به عدم عضویت در سازمان ملل در آن تاریخ می‌توانست به اعتقاد عبدالله مقابله با سازمان ملل و قطعهنامه تقسیم تلقی شود. این طرح از سوی کشورهای عربی رد شد. اگر چه عراق (تحت حاکمیت هاشمیان) با آن مخالفتی نکرد ولی سوریه، مصر و سعودی با آن مخالفت کردند. هنگامی که بحث عقب‌نشینی انگلستان از فلسطین جدی شد، عبدالرحمن عزام پاشا دبیر کل اتحادیه عرب درخواست اجلاس فوری اتحادیه عرب را در قاهره کرد. این اجلاس در ۵ دسامبر ۱۹۴۷ تشکیل شد و پس از توضیحات دبیرکل و نگرانی مسئولان عرب از عقب‌نشینی و عدم آمادگی آن‌ها برای این وضعیت، تصمیم سری مسئولان عرب درخواست تمدید قیومت و استمرار حضور نیروهای انگلیسی برای یک‌سال دیگر بود. این تصمیم به انگلستان اطلاع داده شد ولی با عدم پذیرش از سوی انگلستان روبه‌رو شد. براین اساس در طول ۱۲ الی ۱۸ دسامبر ۱۹۴۷ نخست وزیران کشورهای عربی در قاهره تشکیل جلسه دادند و همچنان اختلاف اولیه در مورد ورود ارتش‌های عربی و یا کمک به فلسطینی‌ها مطرح شد و کشورهای مصر و سعودی در یک‌سو و اردن و عراق در دیگر سو قرار گرفتند.^(۱۳)

دیدگاه ایران

فضل‌الله نورالدین کیا می‌نویسد که در آذر ماه ۱۳۲۶ انتظام بعد از نماینده آمریکا نطقی ایراد کرد و اظهار داشت نقشه تقسیم فلسطین با منشور ملل متحد

مخالفت داشته و احتمال دارد اجرای این طرح کشورهای خاورمیانه را به میدان آتش و خون تبدیل نماید و برای جلوگیری از این پیشامد، رعایت حقوق اعراب را خواستار و اظهار داشت ایران علیه طرح تقسیم فلسطین رأی خواهد داد. در نتیجه سخنرانی او کلیه کشورهای عربی از رویه ایران تمجید و تعریف نموده و مراتب تشکر خود را رسماً به وزارت امور خارجه ایران ابلاغ کردند.^(۱۴)

وی در جای دیگری از کتاب خاطرات خود می‌نویسد: نصرالله انتظام، گزارش مفصلی در مورد قطعنامه ۱۸۱ برای وزارت خارجه ارسال کرد؛ و طی آن چنین آورده بود: «برای این که خود را به طرفداری اعراب متهم نساخته و ضمناً از نظرات حقه آنها دفاع کرده باشم، طرحی پیشنهاد کردم و موافقت نمایندگان هند و یوگسلاوی را هم جلب نمودم. با طرح اینجانب (Estate Federal) که مبتنی بر ایجاد دولت ائتلافی از یهود و عرب بود، وحدت فلسطین محفوظ می‌ماند... خلاصه آن از این قرار است که عرب و یهود در امور داخلی مستقل باشند و حکومت مرکزی به وسیله دو مجلس که یکی نماینده مستقیم اهالی و به آرای مستقیم، انتخاب و دیگری به عده مساوی از نمایندگان انتخابی عرب و یهود تشکیل گردد، اداره شود. رئیس کشور را این دو مجلس انتخاب (می‌کنند) و دولت هم در مقابل آنها مسئول خواهد بود. کلیه قوانین باید به تصویب هر دو مجلس برسد و در صورت بروز اختلاف بین مجلسین، رای کمیسیون مخصوص که به کمیسیون وساطت معروف و به ترتیب ذیل انتخاب خواهد شد (رئیس کشور، یک نماینده از طرف هر یک از مجلسین و دو نفری که دیوان عالی تعیین نماید) قاطع خواهد بود. اگر این پیشنهاد قبول می‌شد، منافع اعراب را که اکثریت با آنهاست تامین می‌نمود و چون اختیارات حکومت مرکزی را زیاد منظور داشته و حل قضیه مهاجرت را که اساس اختلاف است، به دولت مرکزی محول کرده بودیم، دیگر نگرانی برای اعراب باقی نمی‌ماند...»^(۱۵)

منصورالسلطنه عدل رئیس هیأت ایرانی در اجلاس سازمان ملل متحد در این اجلاس سخنان مهمی ارایه کرد. نظر به اهمیت این سخنان و باتوجه به اینکه سیاست ایران و موضعگیری دولت وقت ایران در مورد موضوع فلسطین را به خوبی می‌توان از این سخنان فهمید متن آن را می‌آوریم: «...رویه هیأت نمایندگی ایران نه ناشی از نقش محبت نسبت به عالم یهود است و نه نتیجه دوستی زیاد به ملل عرب، بلکه منحصراً

ناشی از ایمان به اصولی است که در منشور سانفرانسیسکو قبول و اعلام شده است. بله، ما از یک طرف به عالم یهود به نظر احترام می‌نگریم، تاریخ مراتب مهربانی و مهمان‌دوستی و مساعدت مذهبی را که فرزندان کوروش و داریوش نسبت به اولاد اسرائیل داشته‌اند ثبت کرده است؛ همین رویه ملی خود را تعقیب می‌کنیم. زندگی راحتی که ده‌ها هزار یهودی در نقاط مختلف ایران می‌گذرانند، دلیل غیرقابل تردید این مدعاست. از طرف دیگر ما اعلام می‌داریم که علائق زیادی ما را به ملل عرب مربوط می‌سازد. ولی این علائق هر قدر هم برادرانه باشد، ما را از پذیرفتن راهی که به دفاع از اصول منشور ملل متحد هدایت می‌کنند، منحرف نخواهد ساخت. این منشور ما را مکلف می‌نماید که حق هر ملت را برای این‌که آزادانه زندگی کند و با کمال آزادی سرنوشت خود را معین سازد، محترم بشماریم. پس برای چه باید از اجرای این تکلیف شانه خالی کرده و به فلسطین حکومتی را تحمیل نمود که مورد رضایت هیچ طرفی نباشد؟ با قبول راه‌حلی که اکثریت کمیسیون مخصوص پیشنهاد کرده است، شما دو دولت جدید به وجود خواهید آورد که حتماً هیچ یک قابل زندگی نبوده و شاید هم هر دو مولود مرده خواهند بود. با اقدام به این امر شما اجاق ملی (وطن ملی) برای یهودی‌ها درست نخواهید کرد، بلکه اجاقی به وجود خواهید آورد که زیر خاکستر آن همیشه آتشی که نه تنها خاورمیانه بلکه صلح عالم را نیز تهدید می‌کند، روشن خواهد بود. اعم از این‌که آن‌ها مسلمان باشند و یا مسیحی و یا یهودی، همین‌که این کشور آزادی خود را به دست آورد، اهالی آنجا پیرو هر دینی که باشند، برای اختلافی که امروز بین آن‌ها تفرقه انداخته، راه‌حل عادلانه و منصفانه‌ای پیدا خواهند نمود و آن‌وقت این راه‌حل را که خود شخصاً ذی‌نفع می‌باشند، آزادانه انتخاب و قبول می‌کنند، حسن استقبال خواهند کرد، خواه عبارت باشد از تشکیل دو دولت جداگانه و خواه عبارت باشد از تشکیل یک دولت فدرال. با در نظر گرفتن این اصول، هیأت نمایندگی ایران، نسبت به هر پیشنهادی که با مقررات منشور ملل متحد قابل التیام نباشد، رأی مخالف خواهد داد»^(۱۶)

عملکرد ایالات متحده آمریکا و سایر کشورها

هنگامی که طرح تقسیم در تاریخ ۲۶ نوامبر به جلسه نهایی مجمع عمومی ارائه شد، معلوم شد که طرح رأی نمی‌آورد؛ زیرا براساس منشور و مقررات مجمع

عمومی دو سوم آراء برای تصویب طرح لازم بود. نزدیکی آمریکا و صهیونیسم به ویژه پس از دوری صهیونیست‌ها از بریتانیا باعث شد تا ایالات متحده سایر اعضای مجمع عمومی را برای رأی دادن به این طرح تحت فشار قرار دهد. صهیونیست‌ها با پیشنهاد طرح تقسیم (گروه اکثریت) موافق بودند؛ و لذا در جریان رأی‌گیری سالن مجمع عمومی را پر کرده بودند تا اعضا را ترغیب به تصویب طرح تقسیم کنند.

در بین جمهوری‌های آمریکای لاتین کوبا مخالفی سرسخت بود و آرژانتین، کلمبیا و مکزیک از دادن رأی خودداری می‌کردند و بعضی از جمهوری‌ها به خصوص هائیتی، السالوادور و هندوراس به رهبری کوبا جناح مخالف را تشکیل می‌دادند. بعضی از کشورهای کوچکتر اروپای غربی نیز نسبت به دخالت فعال در این خصوص بی‌میل بودند. ولی با فشار آمریکا، بلژیک، فرانسه، هائیتی، لیبریا، لوگزامبورگ، هلند، زلاند نو، پاراگوئه و فیلیپین در جلسه نهایی در رأی خود تجدید نظر کردند.

کرومیت روزولت^۱ در مورد رأی آمریکا در سازمان ملل و قطعنامه فوق چنین آورده است: «نماینده ما تصمیم گرفت که طرح تقسیم را بپذیرد... و مطابق اصل آزادی عقیده سایر کشورها را در این انتخاب آزاد بگذارد. ولی وقتی که مشاهده شد که بدین طریق، طرح تقسیم شکست می‌خورد در این اصل تغییراتی داده شد... هائیتی، لیبریا، فیلیپین، چین و حبشه شبانه وادار شدند که یا به نفع طرح تقسیم رأی دهند و یا از دادن رأی خودداری کنند...»^(۱۷)

نمایندگان سه کشور کوچک هائیتی، لیبریا و فیلیپین، به وسیله نمایندگان آمریکا تحت فشار قرار گرفتند. این سه رأی برای احراز اکثریت دو سوم کافی بود. قبلاً این کشورها مخالف تقسیم بودند... گزارش رسمی مجمع عمومی نیز از اعمال زوری که بر نمایندگان و دولت‌های مختلف به خاطر تحصیل رأی مطلوب به نفع طرح تقسیم وارد آمد سخن می‌گوید. نماینده مصر اعلام کرد که با وجود فشارهایی که به نفع طرح تقسیم اعمال شد اکثریت آراء نمی‌تواند اصول منشور را نقض کند و سخنگوی دولت پاکستان اعلام کرد که طرح تقسیم فاقد اعتبار حقوقی است و نمایندگانی که به وسیله اعمال زور مجبور شدند در رأی خود تجدیدنظر نموده و به حمایت از طرح تقسیم

1. Kermit Roosevelt

برخیزند، از یک طرف در قضاوتشان به شکنجه وجدان گرفتار شده‌اند و از طرف دیگر خود و دولتشان تحت فشار قرار گرفته‌اند.^(۱۸)

تلاش کشورهای بزرگ برای فشار بر دولت‌های کوچک با اصول سازمان ملل سازگار نبود. به‌عنوان مثال اعلام نماینده انگلیس مبنی بر ترک فلسطین و عدم آمادگی برای استمرار وضعیت فعلی، باعث شد، سازمان ملل در حالی به تصمیم‌گیری بپردازد که در مقابلش هیچ انتخابی جز دو طرح اقلیت و اکثریت وجود نداشت.^(۱۹)

اتحاد جماهیر شوروی یکی از طرفداران طرح تقسیم بود. آندره گرومیکو نماینده وقت اتحاد شوروی در سازمان ملل به حمایت از این طرح پرداخت و گفت: «در صورتی که امکان ایجاد یک کشور واحد در فلسطین وجود نداشته باشد، شوروی با درک کامل حقوق حقه ملت یهود، تقسیم این کشور را تأیید می‌کند».^(۲۰) از آن جا که اکثریت نمایندگان دول آمریکای لاتین هم طرفدار تقسیم بودند، وضع اعراب مشکل‌تر شد... دولت آمریکا هم بر اثر فشار صهیونیون و نفوذی که کلیمیان در این کشور دارند و انتخاب رئیس جمهوری هم در پیش است، به عواقب وخیم تصمیم خود پی نبردند و آنچه را که دولت شوروی می‌خواست که بلوایی در آنجا برپا شود، فراهم آوردند و نفوذی که در پیش دول عرب داشتند، لاقلاً برای مدتی از دست دادند و با وجودی که وزارت خارجه خودشان هم با این عمل موافق نبود، به نظر او وقعی نگذاشتند. شاید دیر یا زود از این کرده پشیمان شوند؛ زیرا اگر دنبال کار را نگیرند و از نیمه راه برگردند، مجمع عمومی را مفتضح ساخته و مقصود دولت شوروی را که مبنی بر ضعف مجمع عمومی و تقویت شورای امنیت است، تأمین کرده اند و اگر به قوه جبریه تصمیم مجمع را اجرا کنند، به جای این‌که قوای خود را در دفاع از حق به کار برند، در راه نامشروع مصرف کرده‌اند...».^(۲۱)

قطعهنامه و حقوق بین‌الملل

مخالفان قطعهنامه معتقدند سازمان ملل نمی‌توانست آنچه را که ندارد ببخشد و واگذار نماید. جامعه ملل بر طبق ماده ۲۲ میثاق برای نظارت بر اداره سرزمین‌های تحت قیمومت اختیار داشت ولی این قدرت با انحلال آن پایان یافت. قطعهنامه در آخرین جلسه جامعه ملل در ۱۸ آوریل ۱۹۴۶ اعلام می‌داشت که با انحلال جامعه ملل،

مسئولیت‌هایش نسبت به سرزمین‌های قیمومی نیز به پایان می‌رسد. جلسه فرعی ۲ در گزارش مورخه ۱۱ نوامبر ۱۹۴۷ خود متذکر شد که سازمان ملل وارث اختیارات و مسئولیت‌های قانونی و سیاسی جامعه ملل نیست و این سازمان نمی‌تواند نسبت به اداره سرزمین‌های قیمومی همچون جامعه ملل عمل کند و اختیاراتی که سازمان ملل نسبت به این سرزمین‌ها دارد کاملاً محدود و مطابق با مقررات ویژه منشور در این زمینه است. در سال ۱۹۴۷، کشورهای عرب به صلاحیت مجمع عمومی برای توصیه تقسیم فلسطین اعتراض کردند. نه مجمع عمومی و نه هیچ واحد دیگری از سازمان ملل صلاحیت اتخاذ هیچ‌گونه تصمیمی، به جز شناسایی استقلال فلسطین و برقراری حکومت آینده آن برای مردم این کشور را ندارد تا چه رسد که در این راه توصیه و یا اعمال زور کند... به‌علاوه مسئله تقسیم فلسطین متضمن واگذاری سرزمین و انهدام تمامیت ارضی آن است. سازمان ملل نمی‌تواند فلسطین را تقسیم کند یا واگذار و اکثریت مردم آن را از کشورشان محروم کند و آن را به استفاده انحصاری اقلیتی در این سرزمین درآورد. مجمع عمومی در چارچوب منشور ملل متحد دارای چنین اختیاراتی نبود و قطعنامه تقسیم خارج از قلمرو صلاحیت مجمع بوده و در نتیجه نمی‌توان از حیث حقوقی برای آن اعتباری قائل شد.^(۲۲)

همچنین قطعنامه تجاوزی آشکار نسبت به حاکمیت مردم فلسطین بود و حق تعیین سرنوشت را از ملت فلسطین گرفت. بر طبق بند ۷ ماده ۲ منشور، این منشور نمی‌تواند جایگزین مسائلی که مربوط به خود کشور است، شود. فلسطین از زمانی که از دولت عثمانی جدا شد و شناسایی استقلال آن به‌وسیله ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل تثبیت گردید کشوری مستقل و جداگانه شد و اگر چه تا سال ۱۹۴۷ فلسطین هنوز به‌طور موقت در تحت قیمومیتی که از نظر قانونی در نتیجه انحلال جامعه ملل خاتمه یافته بود قرار داشت ولی به هر حال این قیمومیت به خصوصیات کشور بودن و حاکمیت ملت آن لطمه نمی‌زد. در این قطعنامه اصول مندرج در ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل و منشور ملل متحد نقض شده است. این نقض و تخلف چه نسبت به میثاق جامعه ملل و چه منشور سازمان ملل در گزارش جلسه فرعی ۲ کمیته ویژه در مساله فلسطین در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۴۷ منعکس شده است. این گزارش می‌گوید: مساله فلسطین و تقسیم فلسطین باید براساس شرایط قیمومیت فلسطین، اصول کلی میثاق جامعه ملل و

مقررات منشور سازمان ملل بررسی شود. در تحت ماده ۵ حکم قیمومیت، دولت قیم مسئول «مراقبت از این‌که هیچ بخشی از سرزمین فلسطین واگذار یا تقسیم نگردد و یا در اختیار حکومت بیگانه قرار نگیرد.» می‌باشد. ماده ۲۸ قیمومیت اضافه می‌کند که در پایان دوره قیمومیت سرزمین فلسطین باید در اختیار «حکومت فلسطین» قرار گیرد. همچنین به استناد ماده ۲۲ میثاق، مردم فلسطین به محض انقضای دوره قیمومیت باید به صورت ملتی مستقل درآیند. در نتیجه، پیشنهاد اکثریت، مخالف شرایط ویژه قیمومیت و ناقض صریح اصول و هدف‌های میثاق جامعه ملل است.^(۲۳)

این پیشنهاد با منشور سازمان ملل نیز مخالف است. زیرا مواد ۱۰ و ۱۴ منشور ملل را که مقرر داشته بود استفاده از حقوق اقوام و ملت‌ها به خود آن‌ها واگذار شود را نقض می‌کرد. همچنین این قطعهنامه اثر الزام‌آوری برای کشورها ندارد. پروفیسور برولی در این مورد ابراز داشت: قطعهنامه تقسیم مسلماً خارج از صلاحیت ملل متحد اتخاذ شده است. حتی اگر هم چنین نباشد، این رأی برای کشورهای عضو لازم‌الاجرا نبوده است. بنابراین، مجمع عمومی هیچ‌گاه صلاحیت واگذاری سرزمینی که دارای صاحبان مشخصی است به گروهی دیگر را ندارد.^(۲۴)

طرفداران بی اعتباری قطعهنامه، عدم رعایت عدالت را یکی دیگر از دلایل بی‌اعتباری آن معرفی می‌کنند؛ زیرا در سال ۱۹۴۶ کل جمعیت فلسطین بالغ بر ۱۹۷۲۰۰۰ نفر بود که ۱۲۰۳۰۰۰ نفر مسلمان و حدود ۱۴۵۰۰۰ نفر مسیحی و ۶۰۸۰۰۰ نفر یهودی بودند که یک دهم آن‌ها فلسطینی الاصل بودند. یهودیان مالک ۵/۶۶ درصد از خاک فلسطین بودند. در مقابل عرب‌های فلسطین مالک ۴۷٫۷۷ درصد کل خاک فلسطین بودند. بقیه مساحت کشور جزو املاک عمومی بود. ولی طرح تقسیم به یهودیانی که کمتر از یک سوم جمعیت را دارا بودند و کمتر از ۶ درصد کل فلسطین را مالک بودند، زمینی به مساحت ۱۴۵۰۰ کیلومتر معادل ۵۷ درصد از کل کشور فلسطین را اعطاء کرد. این امر نشان می‌دهد که بر طبق قطعهنامه تقسیم به یهودیان ده برابر زمینی که مالک بودند، تعلق گرفت.^(۲۵)

جنگ، پیامد قطعهنامه

قطعهنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد می بایست تا اول اکتبر ۱۹۴۸ به اجرا در می‌آمد اما صهیونیست‌ها با حمله به اعراب فلسطینی، بسیاری از مواضع آنان مانند طبریه، یافا، حیفا و... را به قلمرو خود افزودند و محدوده ۵۷ درصدی تصویب شده خود را به ۷۸ درصد سرزمین فلسطین گسترش دادند.^(۲۶)

تصویب قطعهنامه ۱۸۱ به گسترش خشونت در فلسطین انجامید. در ابتدای سال ۱۹۴۸ کشورهای عربی سه دیدگاه برای مقابله با قطعهنامه تقسیم و عقب‌نشینی ارائه کردند: ۱. مصر، سعودی و یمن کمک به فلسطینی‌ها و نیروهای داوطلب عربی را مطرح کردند. ۲. سوریه و لبنان و دبیرکل اتحادیه عرب برپایی دولت فلسطین را خواستار شدند. ۳. اردن و عراق تقسیم فلسطین را می‌پذیرفتند و خواستار الحاق بخش‌های عربی فلسطین به اردن بودند ولی از بیان صریح این دیدگاه خودداری می‌کردند. در سه ماهه نخست سال ۱۹۴۸ فلسطینی‌ها و داوطلبان عرب پیروزی‌هایی کسب کردند و لذا بحث ورود ارتش‌های کشورهای عربی منتفی شد، ولی با شکست‌های بعدی مجدداً این بحث مطرح شد و در ۱۲ آوریل ۱۹۴۸ کمیته سیاسی اتحادیه عرب طرح ملک عبدالله را پذیرفت و مصر و سعودی از مخالفت خود دست کشیدند. در عین حال، ملک فاروق در همان روز اعلام کرد این اقدام بلافاصله پس از اتمام آزادسازی به اهالی فلسطین مسترد می‌شود. در ۱۷ آوریل ۱۹۴۸ مجدداً دبیرکل اتحادیه عرب از انگلستان خواست عقب‌نشینی را به تأخیر بیاندازد و از اجرای قطعهنامه تقسیم خودداری کند؛ ولی مسئولان انگلستان همچنان بر نظر دولتشان اصرار ورزیدند. لذا در ۲۹ آوریل ۱۹۴۸ جلسه‌ای از مسئولان اردنی و عراقی و ... تشکیل شد و بر ورود به فلسطین تأکید شد. مصری‌ها اعلام کردند در صورت ورود سایر ارتش‌های عربی آن‌ها نیز از جنوب وارد فلسطین می‌شوند. تاریخ ورود هشتم مه ۱۹۴۸ مشخص شد ولی انگلیس مخالفت کرد. این تاریخ به ۱۶ مه (پس از خروج نیروهای انگلیسی از فلسطین) تغییر کرد ولی سوریه و لبنان با این تغییر مخالفت کردند و خواستار اجرای آن در هشتم می شدند و این اولین اختلاف بود. اختلاف دوم در مورد فرماندهی نیروهای عربی بود؛ سرانجام، ملک عبدالله از پذیرش طرح آتش‌بس آمریکا و انگلستان خودداری کرد و در ۱۵ مه ۱۹۴۸ ارتش‌های عرب وارد جنگ شدند. رئیس هیأت مصری اعلام کرد کشورش ترجیح

می‌دهد نیروهای فلسطینی خودشان اقدام نمایند و از آن‌ها حمایت شود ولی مصر حاضر به ورود به جنگ نیست.

با وخیم‌تر شدن اوضاع، شورای امنیت خواستار برقراری نشست ویژه مجمع عمومی شد. لذا این نشست از ۱۶ آوریل تا ۱۴ مه ۱۹۴۸ به طول انجامید. در روز ۱۷ آوریل، شورای امنیت خواستار توقف تمام فعالیت‌ها و اقدامات مسلحانه در فلسطین شد و در ۲۳ آوریل، کمیسیون آتش‌بس را برای نظارت بر آتش‌بس تشکیل داد. مجمع عمومی نیز کمیسیون فلسطین را منحل نمود و تصمیم گرفت برای پیشبرد استقرار صلح در همکاری با کمیسیون آتش‌بس یک میانجی منصوب سازد. در ۲۰ مه کنت فولک‌برنات^۱، رییس صلیب سرخ سوئد، به عنوان میانجی سازمان ملل منصوب شد. در روز ۱۴ مه ۱۹۴۸ انگلستان قیمومت خود بر فلسطین را رها کرد و نیروهای خود را از فلسطین خارج ساخت. در همان روز آژانس یهود تأسیس دولت اسرائیل را در سرزمین‌های اعطا شده به وسیله طرح تقسیم، اعلام نمود. بلافاصله آتش خصومت‌های شدید بین گروه‌های یهودی و عرب شعله‌ور گردید. روز بعد ارتش کشورهای عرب همسایه برای کمک به اعراب فلسطینی وارد این سرزمین شدند. پس از چند هفته جنگ، شورای امنیت، در ۲۹ مه ۱۹۴۸ آتش‌بس اعلام کرد.

در ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۸ شورای امنیت طبق قطعهنامه‌ای اعلام کرد که شرایط فلسطین تهدیدی بر علیه صلح است و مجدداً خواستار آتش‌بس شد و اعلام نمود که ناتوانی در رعایت آن به عنوان نقض صلح به شمار می‌آید که مستلزم اعمال فوری قوانین الزامی براساس فصل هفت منشور سازمان ملل خواهد بود. طبق قطعهنامه دوم، توافق‌نامه‌های آتش‌بس، با حمایت سازمان ملل از فوریه تا ژوئیه ۱۹۴۹ بین اسرائیل از یک سو و مصر، اردن، لبنان و سوریه از سوی دیگر امضا شد.

قطعهنامه‌های آتش‌بس، مرزهای کشورهای عربی (به جز لبنان) را آرام کرد، ولی نتوانست صلح و امنیت را به فلسطین بازگرداند. می‌توان نتیجه گرفت عدم موفقیت قطعهنامه تقسیم، عدم موفقیت طرح دو دولت - دو ملت، محسوب می‌شود؛ زیرا این قطعهنامه سنگ بنای طرح دو دولت است.

1. Count Folke Bernadotte

وضعیت قدس، الگویی برای راه حل همه‌پرسی

براساس قطعنامه ۱۸۱، ۴۳٪ از سرزمین فلسطین به دولت فلسطین و ۵۶٪ به دولت یهودی و یک درصد هم به قدس اختصاص یافت. به عبارت دیگر از ۲۷ هزار کیلومتر مربع، ۱۲ هزار کیلومتر مربع به دولت فلسطین اختصاص می‌یافت. در بخشی از قطعنامه تصریح شده است که بیت‌المقدس باید به صورت وجودی مجزا و غیرنظامی تحت سرپرستی شورای قیمومت سازمان ملل متحد در آید.^(۲۷) شورای قانون‌گذاری برگزیده شود و این وضعیت به مدت ۱۰ سال لازم‌الاجرا خواهد بود و سپس در زمان مشخص از سوی شورای قیمومت با برگزاری referendum نظر ساکنان بیت المقدس در مورد آینده این شهر را جویا می‌شود.^(۲۸) مفاد قطعنامه ۱۸۱ در قطعنامه ۱۹۴ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ مورد تأیید قرار گرفت.^(۲۹)

اگر قطعنامه به‌طور کلی مبنای طرح دو دولت است، بخش مربوط به قدس مبنائی برای طرح همه‌پرسی است. جمهوری اسلامی ایران برای پایان دادن به بحران شصت ساله طرحی ارائه داده و بر مبنای آن خواستار حل و فصل موضوع فلسطین از طریق مراجعه به آرای عمومی همه فلسطینیان داخل و خارج، مسلمان، مسیحی و یهودی شده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در سخنرانی‌های متعدد بر این طرح تأکید و خواستار اجرای آن شده‌اند. از جمله ایشان در اجلاس بین‌المللی حمایت از مردم فلسطین در مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ که در تهران برگزار شد، اظهار داشتند: وظیفه تاریخی امروز ما تکرار سخنان و تئوری‌های ناتوان گذشته نیست، بلکه ارائه راهکاری است که فلسطین را از زیر ستم رژیم صهیونیستی آزاد کند. پیشنهاد ما یک راهکار کاملاً منطبق بر مردم‌سالاری است که می‌تواند منطبق مشترک همه افکار جهانی باشد. آن پیشنهاد این است که همه صاحبان حق در سرزمین فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در یک همه‌پرسی، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه فلسطینی‌هایی که سال‌ها مشقت آوارگی را تحمل کرده‌اند نیز در این همه‌پرسی شرکت کنند. دنیای غرب باید بداند که نپذیرفتن این راه‌حل نشانه پایبند نبودن به دموکراسی است.^(۳۰)

بر مبنای این طرح همه مسائل فلسطین از طریق نظر خواهی از مردم فلسطین و با آرای آنان حل و فصل خواهد شد. این طرح علاوه بر پایان دادن به جنگ، اشغال، محاصره و... مبنایی عادلانه برای حل و فصل موضوع است. تا زمانی که اشغال و اشغال‌گری وجود دارد، مشکلات مردم فلسطین نیز ادامه دارد؛ صرفاً پایان یافتن اشغال می‌تواند به این وضع پایان دهد؛ درحالی که روند امور در طول شصت سال گذشته برخلاف این روند است.^(۳۱)

براساس قطعهنامه شماره ۲۴۲، که پس از اشغال باقیمانده سرزمین‌های فلسطین در جنگ ۱۹۶۷ صادر شد، می‌بایست تمام کرانه غربی و نوار غزه همراه با مناطق اشغال شده در جنگ ۱۹۶۷ به فلسطینی‌ها مسترد گردد که حدود ۶۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. در کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱، آمریکا و اسرائیل قول استرداد ۱۰۰ درصد از سرزمین‌های کرانه باختری و نوار غزه را به رهبران ساف و یاسر عرفات دادند و به این وسیله تمام امتیازات لازم را از او ستاندند. در کنفرانس اسلو در سال ۱۹۹۳، توافقنامه غزه - اریحا ۱۰۰ درصد به ۹۰ درصد کاهش یافت. در قرار داد وای ریو، ۹۰ درصد مجدداً کاهش یافت و به ۴۰ درصد رسید. در اجلاس شرم‌الشیخ، ۴۰ درصد به ۱۸ درصد رسید، یعنی از کل سرزمین فلسطین ۱۰۱۸ کیلومتر مربع به فلسطینی‌ها مسترد شود. سرانجام در اجلاس کمپ دیوید، در تابستان سال ۲۰۰۰، ۱۸ درصد به ۱۳/۵ درصد کاهش یافت.

باتوجه به مراتب فوق، جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر، با ارائه راهکاری دمکراتیک، خواستار حضور همه فلسطینیان در یک همه‌پرسی برای تعیین تکلیف موضوع شده است، به گونه‌ای که کلیه فلسطینی‌ها اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی که در داخل خاک فلسطین هستند یا آواره کشورهای دیگر شده‌اند، در آن شرکت کنند.

نتیجه‌گیری

وضعیت بیت‌المقدس واحد و اداره بین‌المللی آن و مراجعه به آرای عمومی در مورد آینده آن جزو کوتاهی‌های شورای امنیت و مجمع عمومی در اجرای قطعهنامه ۱۸۱ است. ملاک پذیرفته شده در مورد بیت‌المقدس در قطعهنامه ۱۸۱ می‌تواند ملاکی برای

تصمیم‌گیری در مورد تمامی فلسطین باشد. اگر در مورد آینده بیت‌المقدس پذیرفته است، ساکنان بیت‌المقدس اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی که در آن زمان (۱۰ سال پس از تصویب قطعنامه ۱۸۱) ساکن آن شهر بوده‌اند، نظر دهند و نظر آن‌ها ملاک قرار گیرد، در مورد تمامی فلسطین نیز این امر امکان‌پذیر است و می‌تواند به عنوان راه‌حل پذیرفته شود.

خطای استراتژیک و رقابت‌های خودخواهانه و سوءظن‌ها و اختلاف در کشورهای عربی و ترجیح منافع خود بر منافع جمعی از اساسی‌ترین دلایل عدم تشکیل دولت فلسطین در بخش عربی طرح تقسیم است.

فقدان نقشه راه در ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی و در طول ۶۰ سال گذشته از سوی کشورهای عربی و اسلامی به‌ویژه کشورهای مهم عربی همچون مصر، سعودی، سوریه، اردن، عراق و کشورهای اسلامی همچون ایران، ترکیه و پاکستان و عدم اعتماد به مردم فلسطین و مردم خودشان و توجه و امیدواری به کمک‌های غربی و یا شرقی و عدم اتکا به سرمایه و نیروهای ذاتی و روابط پنهانی با رژیم صهیونیستی از دلایل مهم وضعیت موجود است.

بین بخش عربی قطعنامه ۱۸۱ و سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ تمایز آشکاری وجود دارد؛ سرزمین‌های ۱۹۶۷ صرفاً ۲۲٪ از سرزمین تاریخی فلسطین است. در حالی که بخش عربی قطعنامه ۱۸۱ نزدیک به ۴۵٪ سرزمین فلسطین را تشکیل می‌دهد. اختلاف بین این دو نزدیک ۲۳٪ است که این بخش نیز در جنگ اشغال شده است و از مصادیق بارز تحصیل سرزمین به وسیله زور است که توسط منشور و قطعنامه‌های سازمان ملل پذیرفته نشده است.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت، مبنای راه‌حل دو دولت دارای اشکالات اساسی است؛ صرف‌نظر از بی‌اعتباری قطعنامه براساس نظر برخی از حقوقدانان، از حیث سرزمینی نیز تفاوت فاحشی بین سرزمین‌های اختصاص یافته به دولت عربی در طرح تقسیم (حدود ۴۵٪ سرزمین فلسطین) و طرح دو دولت (حدود ۲۲٪ سرزمین فلسطین) وجود دارد؛ ولی مهم‌تر آنکه، قطعنامه تقسیم در عمل نتوانست در طول بیش از ۶۰ سال گذشته تحقق یابد و این مدت زمان برای نادرست بودن این طرح و راه‌حل دو دولت مبتنی بر آن کافی است. از سوی دیگر اگر مراجعه به آرای عمومی ساکنان

بیت المقدس برای تعیین سرنوشتشان براساس بند «ج» قطعهنامه فوق، عادلانه و منطبق با اصول منشور ملل متحد است، این امر در مورد همه فلسطین نیز می‌تواند اجرا شود؛ راه‌حلی که جمهوری اسلامی ایران در طرح همه‌پرسی ارائه کرده است.

یادداشت‌ها

۱. العیسی، عبدالفتاح، دور بریتانیا فی تأسیس الدوله الیهودیة، ۱۹۴۸-۱۸۴۰، مجله فلسطین المسلمة، مه ۱۹۹۸، ص ۲۲.
۲. سعیدی نژاد، حمیدرضا، علل ناکارآمدی سازمان ملل در بحران اعراب و اسرائیل، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین‌الملل، مهر ۱۳۷۸، ص ۵۷.
۳. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۴/۰۹/۰۱، صفحه مقالات.
۴. کشورهای موافق عبارت بودند از: استرالیا، بلژیک، بولیوی، برزیل، بلاروس، کانادا، کاستاریکا، چکسلواکی، دانمارک، جمهوری دومینیکن، اکوادور، فرانسه، گواتمالا، هایتی، ایسلند، لیبریا، لوکزامبورگ، هلند، نیوزلند، نیکاراگوئه، نروژ، پاناما، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، لهستان، سوئد، اوکراین، آفریقای جنوبی، اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده آمریکا، اورگوئه، ونزوئلا.
۵. کشورهای مخالف: ۱. ایران ۲. افغانستان ۳. پاکستان ۴. سوریه ۵. ترکیه ۶. عربستان سعودی ۷. کوبا ۸. لبنان ۹. مصر ۱۰. هندوستان ۱۱. یمن ۱۲. یونان ۱۳. عراق. این کشورها طرح فوق را ناقض منشور ملل متحد و حق خودمختاری مردم فلسطین اعلام کردند.
۶. کشورهای آرژانتین، السالوادور، اتیوپی، انگلستان، چین، شیلی، کلمبیا، مکزیک، هندوراس و یوگسلاوی رأی ممتنع دادند.
7. http://www.malaf.info/?page=show_details&Id=3862&CatId=6&table=p_news
۸. برکت، سید مصطفی، طرح‌های مهم صلح خاورمیانه، گزارش اداره اول خاورمیانه عربی و شمال آفریقا شماره ۳۰۸/۲۰۶۰ مورخ ۶۴/۱۲/۱۴ ص ۲.
۹. عزیز شکری، فؤاد ادیب، القضية الفلسطينية و المشاكل المعاصرة، ص ۱۶.
۱۰. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۴/۰۹/۰۱ صفحه مقالات.
۱۱. معاون وقت اداره سازمان ملل متحد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران
۱۲. نورالدین کیا، فضل‌الله، خاطرات خدمت در فلسطین (۱۳۲۵ - ۱۳۲۰)، نشر آبی، چاپ اول، تهران، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۵۴.
۱۳. عزیز شکری، فؤاد ادیب، القضية الفلسطينية و المشاكل المعاصرة، ص ۱۶.
۱۴. فضل‌الله نورالدین کیا، پیشین، ص ۱۵۹.

۱۵. فضل الله نورالدین کیا، همان، ص ۱۵۴
۱۶. فضل الله نورالدین کیا، همان، ص ۱۵۶
17. <http://www.al-moharer.net/moh236/nov29-236.htm>
۱۸. از بین کشورهای که از ۲۵ تا ۲۹ نوامبر رأی خود را تغییر دادند می‌توان به لیبریا، فیلیپین و هائیتی اشاره کرد که هر سه از حیث مالی به آمریکا وابسته بودند و در این فاصله به نفع آمریکا و قطعنامه تقسیم تغییر رأی دادند.
۱۹. هنری کتان، فلسطین و حقوق بین‌الملل، ترجمه غلامرضا فدائی عراقی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۸، ص ۷۱.
۲۰. فتحی، حسن، مقاله آغاز عصر جدید در خاورمیانه، روزنامه ابرار مورخ ۷۲/۶/۲۴.
۲۱. فضل الله نورالدین کیا، پیشین، صص ۱۵۵-۱۵۴.
22. <http://www.pal-rrr.org/ta3leek.htm>
۲۳. هنری کتان، پیشین .
۲۴. عزیز شکر، فؤاد ادیب، القضية الفلسطينية و المشاكل المعاصرة، الطبعة الخامسة، منشورات جامعة دمشق ۱۹۹۱-۱۹۹۳، ص ۲۹.
۲۵. شیخ نوری، محمد امیر، صهیونیسم و نقد تاریخ‌نگاری معاصر غرب، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۲۵۸ .
۲۶. محمد کرمی کامکار، بررسی شکل‌گیری حکومت و نیروهای مسلح اسرائیل، ماهنامه زمانه، اردیبهشت ۱۳۸۳، شماره ۲۰.
27. The City of Jerusalem shall be established as a corpus separatum under a special international regime and shall be administered by the United Nations. The Trusteeship Council shall be designated to discharge the responsibilities of the Administering Authority on behalf of the United Nations.
28. The Statute elaborated by the Trusteeship Council the aforementioned principles shall come into force not later than 1 October 1948. It shall remain in force in the first instance for a period of ten years, unless the Trusteeship Council finds it necessary to undertake a re-examination of these provisions at an earlier date. After the expiration of this period the whole scheme shall be subject to examination by the Trusteeship Council in the light of experience acquired with its functioning. The residents of the City shall be then free to express by means of a referendum their wishes as to possible modifications of regime of the City.
۲۹. عزیز شکر، فؤاد ادیب، القضية الفلسطينية و المشاكل المعاصرة، صص ۶۸ - ۵۸ .
۳۰. روزنامه مردمسالاری، نسخه شماره ۲۰۲۷ - ۱۳۸۷/۱۲/۱۵ - <http://www.mardomsalari.com/TEMPLATE1/News.aspx?NID=50677>

قطننامه تقسیم فلسطین مبنای «راه‌حل دو دولت» و ملاکی برای «راه‌حل همه‌پرسی» ۱۰۳۳ د

۳۱. الحورانی، عبد الله، ۱۸۱ لا ۲۴۲ هو القرار الخاص بالدولة الفلسطينية.

<http://www.padrr.org/MkalatWaDerasat/15alkrar181la242.html>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی